

*Hidden love can't be concealed*

UPLOADER:

Elik

TRANSLATOR:

Ciel

EDITOR:

Touka chan\_Gin

DIRECTOR:

Dahlia

ارائه شده توسط تیم ترجمه و ادیت  
آشویی سکای

A

L

A

S

K

A



چرا من رو اون  
شکلی کشیدی؟

امروز، موقع ارائه

طراحی شخصیت



کی گفته  
من تو رو  
کشیدم؟



اصلا،  
منظورت چیه  
"اون شکلی"؟

خیلی ام خوشگله.  
به خاطرش سوم  
شدم!



اتفاقا خیلی  
خوب کشیدیش، ولی  
درست نیست بدن گه گه  
رو به همه نشون  
بدی!

کپی خودم  
کشیدیش؟



تو..

هدیه تولد  
من کجاست،  
ها؟

سعی در عوض  
کردن بحث





همم.

ولی چه  
تصویر ذهنی  
دقیقی داشتیا.



فردا بیست  
سالت می‌شه،  
کوچولو-

خودم  
می دونم.

آرزوت چیه؟

صلح جهانی.

اوه~  
می دونم می خوام  
با گه گه دوآن بری  
محضر.

مگه من چند  
ساله؟



پس بیا اول  
نامزد کنیم. بعد از  
فارغ التحصیلت هم،  
می ریم عقد می کنیم.



نامزدی  
هم خوبه، حداقل  
بهم یه دلگرمی می دی  
که تا قبل سی سالگی  
شوهرت می شم.

خیلی گناه داری.  
اگر سی سالگی ازدواج  
کنی، کی وقت می کنی  
بچه دار شی؟

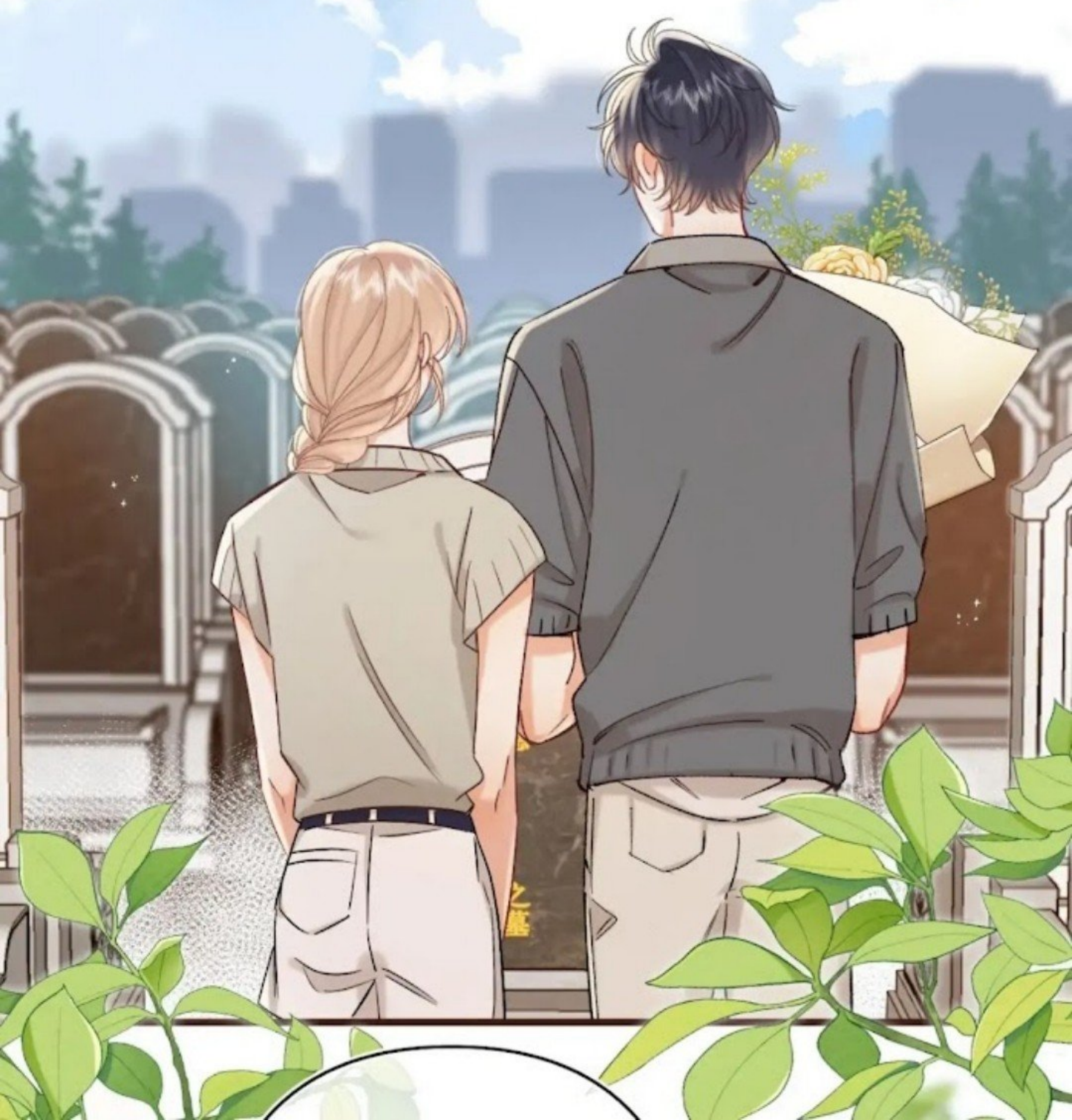




مگه همین الان  
هم یکی ندارم؟ انرژی  
کافی برای لوس کردن  
یدونه دیگه رو  
ندارم.

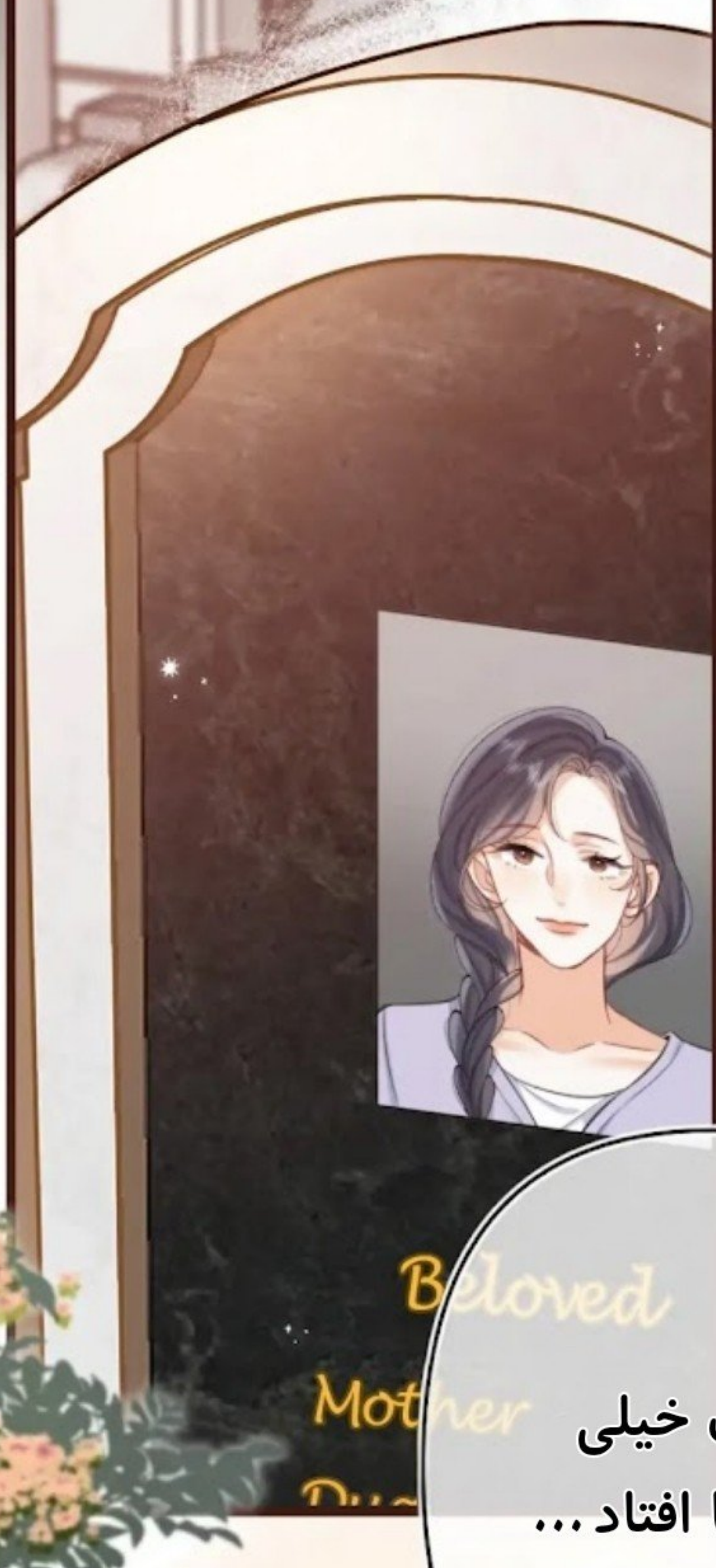
بعد از تولد سانگ ژی، دوآن جیاننو به  
نانوو برگشت.

و همونطور که قول داده بود، برای  
چینگ‌مینگ به پی‌هه اومد و با سانگ ژی  
رفتن تا به قبر مادرش سر بزنن...



مامان، این  
خانم‌امه، سانگ ژی،  
عروست.

خاله جون.




امسال خیلی  
اتفاق‌ها افتاد...


...



...




خب، مامان، ما  
دیگه می‌ریم. باید به  
پروازم برسم، این روزها  
سرم توی استودیو خیلی  
شلوغه.




...یادم رفت بهت  
بگم، شرایط بابا خوب  
نیست. معلوم نیست  
بیدار می‌شه یا نه.

من قراره برم  
نانوو زندگی کنم، پس  
هروقت که بتونم میام و  
بهت سر می‌زنم.


بریم.



خاله جون،  
نگران نباش اصلا،  
من خودم مراقب  
جیاشو هستم.



همیشه باهاش  
مهربونم.



خب دیگه،  
خداحافظ خاله جون،  
هر وقت بتونم بهت  
سر می زنم.

چرا حس می‌کنم  
داری جوری رفتار  
می‌کنی، انگار من  
زن توئم؟

من که چیز  
اشباهی نگفتم.

همم، همیشه  
باهام مهربونی.

بیا قبل از رفتن  
به فرودگاه، بریم یه  
چیزی بخوریم.





فرودگاه

زود باش، تا  
بازرسی باهات میام،  
بعدش برمی گردم. تا  
اون موقع راننده هم  
رسیده.

باشه.



برای تعطیلات  
روز کارگر می رم خونه،  
پس نمی خواد بیای  
اینجا.

و، یه جعبه غذا  
برات سفارش دادم،  
تا فردا به دست  
می رسه.

فکر همه چی او کرده  
همش بیرون بر  
نخور. فقط چون تنهایی،  
تنبلی نکن. اگر وقتش رو  
داشتی، بیا خونه من  
راحت غذا بخور.  
باشه؟

اگر حس کردی  
تنهایی اذیت می کنه، به  
داداشم زنگ بزن.



باشه. داری از  
الان یاد می‌گیری چطور  
باید از بچه‌ها مراقب  
کنی؟

چه بچه‌ای؟ به  
این می‌گن، مراقبت از  
سن بالاها خانواده!

از پیر بودنم مطمئن  
نیستم، ولی خب، تا  
وقتی عضو خانواده  
در نظرم می‌گیری،  
شکایتی ندارم.

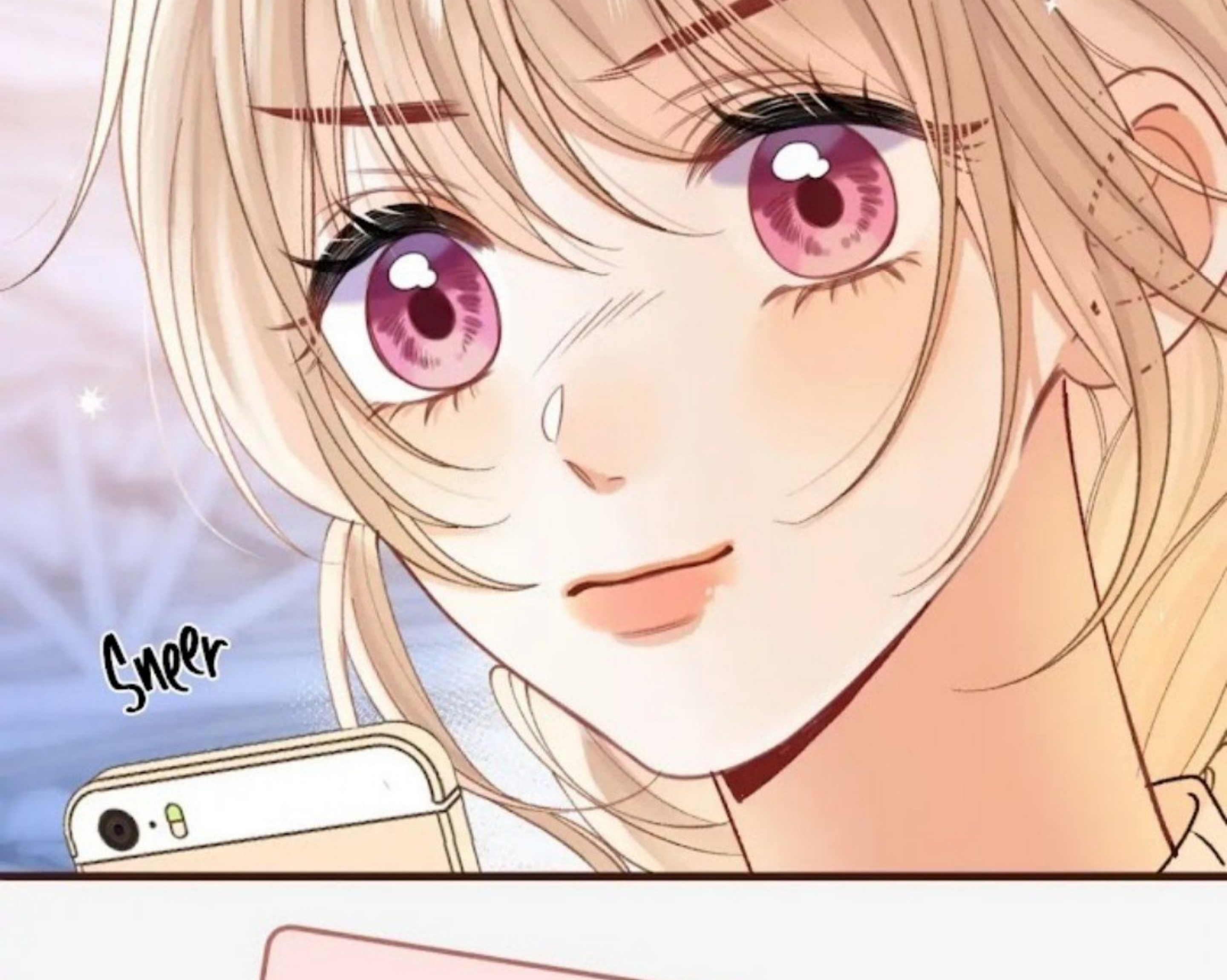
...

می‌بینمت خانم ام ~





امروز جیانگ یینگ رو دیدی؟ شاید قبلاً نتونسته بود قبول کنه، ولی به خاطر شرایط ناپدری ش یکم به خودش اومده. دیگه دنبال دوست پسر ت بیخشتن. ولی احتمالاً هنوز هم نمی تونه



بخشش اون رو نمی خوایم!

دو آن چیا شو کار اشتباهی نکرده، پس نیازی هم به بخشش کسی نداره.

وقت سوال جواب دادنه



سوال: بنظر تون یجها باید تاون کارهای پدرشون رو پس بدن؟

الف. نه، هر بزرگی باید مسئولیت کارهایش رو خودش گردن بگیره.

ب. آره، هرچی نباشه اون پدرته، هم خونه.

پ. به موقعیتش بتلج داره.



ادامه دارد...

سلام

این فایل که هم‌اکنون خوندید،  
توسط تیم بزرگ تلگرامی

AOISEKAI

ترجمه و ادیت شده و برای شما  
و بقیه افرادی که به مانهوا  
خوندن علاقه دارن آماده  
شده.

تیم آئویی سکای فقط و  
فقط در تلگرام فعالیت میکند.

اگه این فایل توی رویکا، سروش،  
ایتا، اینستا و بقیه پیام‌رسان‌های داخلی و  
خارجی گذاشته شده و دارید میخونید،  
بدونید بدون اجازه‌ی تیم ما گذاشته شده  
و این کار دزدی محسوب میشود و به  
هیچ‌عنوان ما راضی نیستیم.  
فقط و فقط ما رو از طریق کانال تلگرامی  
زیر دنبال کنید و مارو حمایت کنید:



[HTTPS://T.ME/AOISEKAI](https://t.me/AOISEKAI)

偷偷藏  
Hidden Love